

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال چهارم، شماره هفتم
بهار و تابستان ۹۶
صفحات ۱۶۵-۱۹۵

روش‌شناسی تفسیری علامه مطهری (ره)*

محسن نورایی**

فاطمه قربانی***

چکیده

استاد مرتضی مطهری یکی از عالمان اثرگذار در روزگار معاصر است. هر چند نگارش‌های مستقل قرآنی استاد مطهری بیش از آثارش در دیگر رشته‌های علوم اسلامی نیست، اما حجم زیادی از آثار مکتوب استاد بصورت مستقیم و غیرمستقیم در زمینه تفسیر آیات قرآن است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، - ضمن تمرکز بر این بُعد نسبتاً مغفول از میراث علمی استاد - روش تفسیری ایشان را به بحث نهاده است. بر اساس نتایج تحقیق، توجه جدی به مقتضیات زمان و برخورداری از روش مشخص تفسیری، دو ویژگی مهم میراث تفسیری علامه مطهری است. روش تفسیری ایشان به روش جامع بسیار نزدیک است. مهمترین عناصر روش تفسیری ایشان عبارتند از: معناشناسی واژگان، توجه به قرائن پیوسته و گسسته، تفسیر قرآن به قرآن، بهره‌جویی متعادل از منابع روایی، توجه به عنصر اجتهاد. این پژوهش در شناخت دقیق‌تر جایگاه علمی استاد مطهری و نیز کیفیت استمرار مکتب فکری و علمی ایشان کاربرد آشکار دارد.

کلید واژه‌ها: مرتضی مطهری، روش تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن، اجتهاد، روایات تفسیری.

*- تاریخ دریافت: ۹۶۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶۰۷/۱۳

m.noor.3@gmail.com

** استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

fateme_ghorbani2002@yahoo.com

۱- مقدمه

شهید مطهری، شخصیتی علمی است و تاثیر بزرگی بر تحول دیدگاه‌های محققین و پژوهشگران حوزه علوم انسانی گذارده است. شاگردی شهید مطهری، در محضر علمای بزرگی چون علامه طباطبایی و شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تفکر در مفاهیم و اهداف عالیه قرآن کریم، از ایشان اندیشمندی توانا ساخت که با هدف ارائه تصویری ناب، کاربردی و عقلانی از قرآن به تدوین مقالات و کتب گوناگون و ارائه سخنرانی‌های علمی پردازد. ایشان متخذ و ملهم از قرآن، سلسله مباحث مختلف مورد نیاز اجتماع و سیاست را، با بیانی شیوا برای خواص و قابل فهم برای عموم مطرح کرده و هدف بازگشت به قرآن را در آثار خود محقق ساخته است. با وجود استفاده از منابع قرآنی و روایی و بهره‌گیری از تفکرات و اندیشه‌های اسلامی سایر علمای دین، تحلیل و اجتهاد ایشان وابسته به هیچ جریان فکری نبوده و به نوعی آزاد اندیشی در تفکر ایشان قابل ملاحظه است. گاهی جنبه‌هایی از اندیشه‌ای غربی را با اصلاحاتی تایید کرده و گاهی نیز استدلال‌ات ضعیف برخی اندیشمندان مسلمان را با ادله‌ای قوی تکمیل می‌نماید. موضوعات تربیتی، اخلاقی و اجتماعی، جایگاه انسان در قرآن، ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام و بسیاری دیگر از موضوعات، در محورهای تفسیری استاد قابل ملاحظه است. ضمن اینکه استاد با روش تفسیر موضوعی، عناوینی چون آزادی، مکاتب فکری غرب، فطرت، حجاب و ... را مورد بحث و بررسی قرار داده است. دکتر پاکتچی نیز در این باره معتقد است که پشتوانه عظیم ملی شهید مطهری و درک صحیح از اوضاع و شرایط زمانه و مقتضیات آن، مهبای آن بود که ایشان، گوی سبقت را از دیگران ربوده و با وجود دانشگاهیانی چون شهید بهشتی، شهید مفتاح، دکتر رجبعلی مظلومی و دکتر محمد

جواد مشکور و ... آثاری خاص با سبک تفسیر موضوعی ارائه نمایند، به نحوی که نسل چهل و پنجاه نسل شهید مطهری نامیده می‌شود. (پاکتچی، ۱۳۸۳، ۱۲-۱۳)

گذر اجمالی بر کتب شهید مطهری مؤید این مطلب است که اندیشه و ذخایر ذهنی ایشان بر استدلالاتی منظم و متقن استوار گشته و این نظم و اتقان در آثار بر جای مانده از ایشان، قابل مشاهده است. هنر بزرگ مطهری در درک منطقی و استخراج مفاهیم عالی قرآن، و ارائه موضوعات به روز، در قالب تفسیر موضوعی، کم نظیر است. بی‌شک رشد فکری جامعه امروز در حوزه علوم انسانی، مرهون مجاهدات استاد در شناخت و عرضه مفاهیم اسلامی بر بنیادهای قرآنی است. مهم‌ترین دغدغه استاد حل مشکلات و پاسخگویی به سوالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح بوده و در قالب سخنرانی و جلسات تفسیر برخی از سوره‌های قرآنی ارائه می‌گردیده است. استفاده از آیات و روایات و عقل و به کارگیری قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره، دقت در واژگان و اسباب نزول و بهره‌گیری از قصص قرآنی و تاریخی نه تنها در تفسیر شهید، بلکه در کل آثار ایشان قابل مشاهده است. اهمیت بررسی و واکاوی روش‌های تفسیری، در انتخاب بهترین روش تفسیر بوده تا بهره‌مندی حداکثری از قرآن و رسیدن به فهم اصیل از معانی حاصل گردیده است. در این مقاله، نمونه‌ها و آثاری از تفسیر اجتهادی به عنوان روشی غالب در کتب و سخنرانی‌های استاد مورد توجه قرار گرفته و مطرح می‌گردد. کتب آشنایی با قرآن که به صورت گزیده، سوره‌هایی را انتخاب و مورد تفسیر و شرح قرار داده است، از مهم‌ترین آثار تفسیری استاد می‌باشد. اگرچه کتبی چون توحید، فطرت، معاد، انسان در قرآن، انسان و ایمان، خاتمیت و ... کاملاً بر مبنای تفسیری تدوین شده و در آن، اهداف عالی قرآنی به بیانی روان و قابل فهم، تبیین می‌گردد.

۲- مفهوم‌شناسی

در این مبحث چند واژه اساسی به کار برده می‌شود که عبارت‌اند از:

الف: تفسیر: تفسیر از ریشه «فسر» به معنای آشکار ساختن امر پوشیده (ابن منظور، ۱۴۰۴، ۵/۵۵)، بیان کردن (طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۴۳۸) و اظهار معنای معقول آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱، ۳۸۰) این واژه در اصطلاح به معنای بحث از مدلول کلام و وضع معنای آن (فخرالدین رازی، بی‌تا، ۸۰/۲۴) کشف و پرده‌برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها است. به عبارت دیگر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۸) با توجه به تعاریف ارائه شده، به نظر می‌رسد علامه طباطبائی، نظر نافذتر و صحیح‌تری ارائه داده‌اند زیرا علاوه بر رفع ابهام، به مراد و مقصود اصلی آیات نیز توجه دارد.

ب: روش تفسیری: چگونگی کوشش علمی مفسر در تبیین معنای آیات است و نیز به راه‌های عملی مفسران و انواع کوشش‌های علمی و عملکرد آنان در تفسیر آیات روش‌های تفسیری گویند. (بابایی، ۱۳۸۰، ۱/۱۴) و نیز به چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن، روش تفسیر قرآن می‌گویند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲۲) به نظر می‌رسد، با توجه به نزدیکی دو تعریف، بیان آقای بابائی، دقیق‌تر باشد. زیرا علاوه بر روش کشف معانی، به راه‌های عملی و علمی و نوع عملکرد ایشان اشاره می‌نماید که در روش‌های تفسیری مد نظر است.

ج: اجتهاد: اجتهاد مصدر باب افتعال، از کلمه «جُهد» یا «جَهد» است و شماری از لغت دانان «جُهد» و «جَهد» را به طاقت معنا کرده‌اند. (جوهری، ۱۴۰۷، ۲/۴۸۰)؛

راغب اصفهانی، بی تا، ۱۰۱) پس معنای اجتهاد، به کاربردن تمام توان و طاقت برای انجام کار یا طلب امری از امور است. (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۳۱۷) اجتهاد در اصطلاح تا قرن هفتم در معنای «حدس حکم شرعی با رأی و فکر» به کار می‌رفته، یعنی وقتی فقیه برای به دست آوردن حکم شرعی موضوعی به کتاب و سنت رجوع کند، ولی دلیلی نیابد و با رأی و فکر خود حکم آن را حدس بزند و به آنچه به عنوان حکم آن موضوع به نظرش می‌رسد، فتوا دهد، می‌گویند اجتهاد کرده است. (صدر، ۱۴۲۰، ۳۴)

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی اجتهاد، مکتب تفسیری اجتهادی، نظریه‌ای است که کوشش و تلاش برای فهم و تفسیر آیات قرآن بر اساس شواهد و قراین و دلیل معتبر را جایز، بلکه لازم می‌داند. و نیز روش تفسیری اجتهادی به روش مفسرانی گفته می‌شود که کوشش و تلاش می‌کنند معانی آیات قرآن را بر اساس شواهد و قراین و دلیل معتبر آشکار و بیان کنند. (بابایی، ۱۳۹۱، ۲/، ۱۱)

تفاسیر اجتهادی جامع تفاسیری هستند که نویسندگان آنها برای توضیح معانی آیات از اموری چون لغت و ادبیات عرب، از سایر آیات و روایت و از قرائن عقلی و داده‌های علمی، معنای باطنی و اشاری و از هر چیزی که امکان کمک گرفتن از آن بوده است، به فراخور دانش و آگاهی خود استفاده کرده‌اند. (همان، ۱۳۹۱، ۲/، ۲۹)

اگرچه نمی‌توان گفت که شهید در تمام کتب خود از همه روش‌ها، با حجم یکسان استفاده نموده است، اما به اقتضای مطلب، از روایات استفاده نموده و با استمداد از عقل به تفسیر آیات پرداخته است و در این بین از نکات ادبی و اشاری و علمی و تاریخی استفاده نموده است. ایشان در تفهیم مقصود قرآن، از تمام امکانات استفاده نموده و این سبب گشته که تفسیر ایشان به تفسیر جامع نزدیک باشد.

۳- مبانی قرآن پژوهی شهید مطهری

استفاده از آیات و روایات در حوزه مباحثی اجتماعی چون تعدد زوجات، طلاق، حجاب، مبارزه با فقر و فساد اجتماع و موضوعات قرآنی نظیر وحی، جن، شیطان و ملائکه، معجزات، قصص قرآن در کتب و مقالات، سخنرانی‌های شورانگیز و کلاس‌های تدریس در حوزه و دانشگاه استاد مطهری نمود ویژه‌ای دارد.

۳-۱ توجه به مسائل علمی روز

در زمان استاد، تطبیق نظرات علمی با آیات قرآن کریم و گرایش به جنبه ادبی قرآن و گسترش تفسیر موضوعی، ایجاد حرکت آفرینی با نگرش قرآنی در جامعه و ... با اقبال فراوانی مواجه شد که این موضوعات، در آثار استاد نیز مورد بحث و بررسی و گاهی نقد، قرار گرفته است. بنابراین تفسیر در این دوره در خدمت جریان اصلاح‌گری بوده و اهداف خاصی را در آن برهه زمانی دنبال می‌کرده است. از جمله این اهداف، می‌توان به ایجاد وحدت، خرافه‌زدایی و هماهنگ‌سازی آموزه‌های اسلام با یافته‌های جدید اشاره نمود. (حیبیان، ۱۳۹۰، ۱۹-۲۰)

استاد توجه بسیاری به بحث تطبیق مسائل علمی روز با آیات قرآن دارند. اگر چه این موضوع از مباحث نوینی بود که در دوران شهید پرورش یافته بود اما، سیره ایشان بر این بود که مفاهیم اصلی آیات تحت الشعاع موضوعات علمی قرار نگیرد. برای نمونه می‌فرماید:

«یک سلسله مسائل دیگری پیش می‌آید که در آنها باید از متخصصین دیگر استمداد کرد و آنها در این زمینه‌ها بحث‌هایی کرده‌اند. مسائلی که قرآن در باب طبیعت و به اصطلاح در طبیعیات آورده است، درباره باد و باران و زمین، آسمان،

حیوانات بحث کرده است. علمای جدید از وقتی که علوم طبیعی پیشرفت خوب و نمایانی کرده است، بیشتر در این مسائل قرآن دقت کرده‌اند. برای نمونه تفسیر طنطاوی بیشتر کوشش‌اش این است که طبیعیات قرآن را با توجه به طبیعیات جدید روشن کند و ثابت نماید که آنچه قرآن در این زمینه‌ها گفته است با آنچه که علم تدریجاً کشف می‌کند منطبق است یا لاقفل منطبق‌تر است. ممکن است خیلی از حرف‌هایی که او گفته صددرصد قابل قبول نباشد.» (مطهری، ۱۳۷۹، ۲۲۳) و در این راه به دانشمندان دیگر چون کرس موریسون و انیشتین و ویلیام جیمز اشاره می‌نماید. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۷۰/۵ و ۲، ۳۷)

همچنین استاد می‌فرماید: «ما مطلبی را که از قرآن استنباط کنیم هیچ اصراری نداریم که حتماً آن را با علم روز منطبق کنیم، چون علم بشر متغیر است، در هر دوره و زمانی یک نظریه‌ای دارد که در زمان دیگر نیست. ... ای بسا مسائلی باشد که فعلاً در این زمان برای ما مشکل و لاینحل باشد، بعد در دوره‌های دیگر، که علوم بشر پیشرفت می‌کند، مسأله حل شود. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۶۸/۸) برای نمونه در گزارش استاد از یک نمونه علمی مطرح شده در قرآن اینگونه آمده است:

«قرآن به طور مسلم از حقیقتی به نام هفت سماء نام برده، که به شکل هفت طبقه و یکی بعد از دیگری است، و نزدیک‌ترین آنها با ستارگان مزین شده است. اما این مطلب با هیأت قدیم متضاد است و با هیأت جدید متضاد نیست، ولی منطبق نیست ... هیأت قدیم به نه فلک معتقد است، ولی قرآن به هفت تا. نیز ... آنچه قرآن می‌گوید چیزی است که علم بشر هنوز در اطراف آن نمی‌تواند یک کلمه حرف بزند، نمی‌تواند نفی کند و نمی‌تواند اثبات کند ... گفته‌ی قرآن برای ما احتیاج به هیچ سند دیگر ندارد، بزرگ‌ترین سند است. (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۷۱-۱۶۷/۶)

۲-۳ پاسخ‌گویی به شبهات

شهید مطهری با توجه به نیازهای عصر خود، پیام قرآن را شرح داده و با بررسی اقوال سایر مفسرین، به پاسخ‌گویی به شبهات و اشکالات عصر می‌پردازد. همچنین در برابر تحولات فکری و آگاهی‌های جدید، گاه به عقایدی برخورد می‌کند که قابل دفاع نیست یا موهوم است، با آنها برخورد فعال می‌کند. (ایازی، ۱۳۷۵، ۲۹) استاد در پایان اغلب سخنرانی‌های خود، پرسش و پاسخ داشتند که نشان‌گر این نکته است که ایشان پاسخ به پرسش‌های عصر را وظیفه‌ی اصلی خود می‌دانسته است.

ایشان با پذیرش انتقادات و بدون هرگونه عکس‌العمل منفی و خارج از اصول بحث، به رفع شبهات پرداخته و می‌فرماید:

«من بر خلاف بسیاری از افراد از تشکیکات و ایجاد شبهه‌هایی که در مسائل اسلامی می‌شود با همه علاقه و اعتقادی که به این دین دارم به هیچ وجه ناراحت نمی‌شوم، بلکه در ته دلم خوشحال می‌شوم، زیرا معتقدم که در عمر خود به تجربه مشاهده کرده‌ام که این آیین مقدس آسمانی در هر جبهه از جبهه‌ها که بیشتر مورد حمله و تعرض واقع شده، با نیرومندی و سرفرازی و جلوه و رونق بیشتری آشکار شده است... بگذارید بگویند و بنویسند و سمینار بدهند و ایراد بگیرند تا آن که بدون آن که خود بخواهند، وسیله روشن شدن حقایق اسلامی گردند.» (مطهری، ۱۳۷۵، ۲۳۲)

این پاسخ‌گویی به شبهات، شامل موارد نقد مستشرقین نیز می‌گردد، مانند اینکه در پاسخ گلدزیهر و نولدکه که مدعی بودند، پیامبر(ص) دارای شخصیت‌های متفاوتی در مکه و مدینه بوده، به نحوی که در مکه بدون هرگونه خشونت، چهره‌ای مسیح گونه داشته ولی در مدینه در قالب یک فرد قدرتمند و امپراطوری بزرگ، ظاهر

گردیده‌اند؛ می‌فرماید: «پیامبر(ص) نه در مدینه چهره‌ای مسیح گونه محض داشت و نه در مکه، در قالب امپراطوری روم ظاهر گردید. روش در مکه و مدینه عیناً یک روش است. به پیامبر(ص) بعد از سیزده سال اجازه دفاع از مسلمانان داده شد: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظَلَمُوا» (حج/۳۹) اگر پیغمبر(ص) از روز اول شروع به جهاد می‌کرد، آن وقت شما بیشتر اعتراض می‌کردید که آخر یک مدتی مردم را دعوت کن، اگر نپذیرفتند و عناد ورزیدند آن وقت جهاد کن. نه از روز اول ... در مدینه هم پیامبر(ص) همان چهره انسان کامل و جامع را داشت. (مطهری، ۱۳۸۷، ۸، ۲۷۷)

۳-۳ تاثیرپذیری از تفسیر المیزان

علامه طباطبائی به عنوان شخصیتی منحصر بفرد در کنار امام خمینی(ره) و آیت الله بروجردی، در شکل‌گیری ذهنیت قرآنی شهید بسیار مؤثر بوده‌اند. سخن شهید مطهری در اهمیت جایگاه المیزان در میان سایر تفاسیر نشان از جایگاه علامه در نزد ایشان داشته است آنجا که می‌فرماید:

«کتاب تفسیر المیزان، یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته است، من می‌توانم ادعا کنم که این تفسیر از جنبه‌های خاصی، بهترین تفسیری است که در میان سنی و شیعه از صدر اسلام تاکنون نوشته شده است.» (مطهری، ۱۳۷۶، ۸۶) از این رو رویکرد شهید مطهری در تفسیر از این جهت شباهت بسیاری به تفسیر علامه دارد. برای نمونه استاد در داستان قضاوت داود در سوره ص آیه ۲۳ تا ۲۶، جریان قصه عشق داود به زن اوریا را ساخته یهود می‌داند و می‌نویسد:

«اینجا من همان مطلبی را عرض می‌کنم که علامه طباطبائی در تفسیر المیزان فرموده‌اند، اگر چه بیان ایشان را چون در سطح بالا است، نمی‌توان به سادگی گفت.

ایشان می‌گویند: اولاً قضیه مسلم نیست که آنها فرشته بوده‌اند، و بر فرض این که فرشته بوده‌اند تمثّل فرشته بوده‌اند و تمثّل فرشته غیر از این است که در عالم مادی افرادی بر داود وارد شوند.» (مطهری، ۱۳۷۵، ۷۶) و یا در جای دیگر در تفسیر آیه «وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» (انفال/۵۱) می‌نویسد:

«وجه صحیحش همان است که علامه طباطبایی دامت برکاته در تفسیر المیزان می‌فرمایند... خدا، یا عادل است یا ظلام... چون اگر العیاذ بالله قانون عالم بنایش بر ظلم باشد دیگر شامل یک فرد بالخصوص و یک کار بالخصوص نیست، شامل همه چیز است. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۲۴/۳)

تنها تفاوت روش استاد با علامه از نظر شیوه بیان و روش استدلال و نیز تفاوت مخاطبان مفسر است. علامه به شیوه استنادی تفسیر قرآن به قرآن است، اما استاد، به روش تحلیلی و استنادی و برای طبقات تحصیل کرده تفسیر ارائه نموده است. به جهت فعالیت استاد در متن جامعه، آثار اجتماعی متنوع و متعددی حتی فراتر از المیزان در آثار استاد قابل مشاهده است. مقدمه مباحث قرآنی و جلسات تفسیر ترتیبی استاد، در دانشگاه و با شعار بازگشت به قرآن آغاز و با همراهی دکتر بهشتی و دکتر مفتاح در تدریس عربی مواجه گردید. ایشان در ضرورت شناخت قرآن می‌نویسد:

«منبع اصلی و اساسی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه که به زندگی او حرارت و معنی و حرکت و روح می‌دهد، قرآن است.» (مطهری، ۱۳۷۸، ۱ / ۲)

ویژگی مهمی که در آثار تفسیری موضوعی و ترتیبی استاد تأثیر بسزایی گذاشته آن است که علوم گوناگون اسلامی از فقه، اصول، حکمت، عرفان، حدیث به خصوص نهج البلاغه، تاریخ، مسائل اجتماعی - فرهنگی، ادبیات فارسی و عربی را

به خوبی مسلط و آشنا است و این جامعیت، آثار او را کم نظیر ساخته است. (فغفور مغربی، ۱۳۷۸، ۴)

۳-۴ تأکید بر مباحث اجتماعی

یکی از دلایل جذابیت و نفوذ دروس استاد، استخراج مفاهیم قرآنی و پیاده‌سازی و کاربردی نمودن آن در عرصه‌های اجتماعی است. اثبات این ادعا با بررسی عناوین کتب ایشان ممکن خواهد بود. جامعه و تاریخ، اصالت فرد یا جامعه، حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب، تعلیم و تربیت در اسلام، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انسان و سرنوشت، تکامل اجتماعی انسان، علل گرایش به مادی‌گری، نظری به نظام اقتصادی اسلام و سبک و گرایش آثار استاد را به خوبی آشکار می‌سازد. ایشان علاوه بر توجه به اسلام ناب در برابر متحجرین، به تحلیل تفکرات انحرافی مارکسیستی آن زمان، و نقد و بررسی دیدگاه‌های مخالف پرداخته و با روش منطقی و استدلال با مخاطب خود سخن می‌گوید. ایشان در این باره می‌فرماید:

«از شجاعت‌های قرآن، یکی منعکس کردن منطق مخالفین از کفار و منافقین است و زیاد هم هست.» (مطهری، ۱۳۷۲، ۳ / ۲۱)

همچنین در مدل قرآن پژوهی استاد، تفسیر موضوعی مکمل تفسیر ترتیبی عنوان شده و در این بین به بررسی آیات الاحکام با گرایش اجتماعی می‌پردازد و این به جهت تسلط استاد بر فقه بوده است. برای نمونه در بحث احکام خمس و جهاد و نماز و ... ایشان به تفصیل، این موضوعات را تبیین نموده به نحوی که برای عموم نیز قابل فهم و درک باشد.

با توجه به تمام مطالب ارائه شده، که بصورت مجمل مطرح گردید، تکاپو و پشتکار استاد در تبیین اصول اعتقادی اسلام و ارائه چهره‌ای پویا از قرآن که

پاسخگوی تمام نیازهای روحی و معرفتی بشر باشد، ستودنی است. عناوین مطروحه، با توجه به گستردگی آثار استاد، و تنها در حوزه تفسیر به اجمال بیان شد. در ادامه به بررسی روش تفسیری استاد خواهیم پرداخت.

۴- روش تفسیری شهید مطهری

همانطور که گفته شد، شهید در تفاسیر خود، تا حد بسیاری و به اقتضای مطلب و موقعیت، به روش استاد خود، علامه طباطبائی، اقتدا نموده‌اند. این پیروی شامل بررسی ریشه کلمات، توجه به سیاق آیات و در نظر گرفتن قرائن و اصول عقلایی محاوره، استفاده از ابزار عقل و وحی، بوده که نتیجه آن، مطالب مفید و مورد نیاز جامعه آن روز بوده است. (بیدهندی، ۱۳۷۷، ۱۴۴) در این قسمت مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیری شهید مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱ معناسناسی واژگان

المیزان، در ابتدا به بررسی واژگان و تحلیل ریشه‌های آن پرداخته و با در نظر گرفتن قرائن و سیاق با سایر آیات گذشته، به تفسیر آیه می‌پردازد. شهید مطهری نیز گاهی در بررسی ریشه واژگان قرآنی به کتب لغت معتبر استناد نموده و آشنایی با زبان عربی را یک ضرورت برای شناخت قرآن می‌داند. برای نمونه در کتاب آشنایی با قرآن واژه غنیمت را مورد بررسی قرار داده (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۰۴/۲) و نیز در کتاب سیری در سیره نبوی واژه تَفْأَل و تطییر را مورد بررسی قرار داده است. (مطهری، ۱۳۷۵، ۴۷)

۴-۱-۱ ریشه‌شناسی واژگان

ایشان برای نمونه، در تبیین واژه الله می‌فرماید:

«ریشه لغت الله اگر از آله یا از وکله باشد معنی فرق می‌کند و احتمال قوی دارد که اله و وله دو لهجه از یک لغت باشند. در فارسی مترادف آن را نداریم، زیرا اگر به جای الله، خدا بگذاریم رسا نیست، چون خدا مخفف خودای است، یعنی واجب الوجود که یک شأن از شؤون الله است. این نام، جامع همه صفات کمالیه است. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱-۱۴/۲) و نیز در بررسی واژه سماء می‌فرماید: «در عربی مساوی آسمان فارسی نیست، سماء در عربی یعنی بالا به هر اعتباری که باشد، ولی در فارسی آسمان مرکب از آس و مان است، آس مانند سنگ آسیاب و مان مفهوم فلک می‌دهد، یعنی فلک مثل سنگ آسیا می‌چرخد. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۱۷/۵) همچنین در تشریح بحث خاتمیت در قرآن، در ابتدای کلام، واژه خاتم را ریشه‌شناسی می‌نماید و می‌فرماید:

«کلمه [خاتم] در لغت عربی فقط چند لغت هموزن دارد مثل طابع و حاتم و چند لغت دیگر. همه اینها معنی ابزار و آلت را می‌بخشد. خاتم یعنی ما یختم به، طابع یعنی ما یطبع به. [ما یختم به] یعنی چیزی که به وسیله آن پایان داده می‌شود. خاتم النبیین یعنی پایان دهنده پیغمبران. اما [خاتم] همین معنی و مفهوم را می‌بخشد به علاوه یک مفهوم اضافه‌ای که در اینجا موضوع رسالت و نبوت به یک نامه‌ای که پایان می‌یابد و نویسنده آن نامه نقش و مهر خود را در پایان آن می‌زند و در پایان خودش را به وسیله آن مهر معرفی می‌کند، تشبیه شده است. (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۷-۱۸)

۴-۱-۲ معنانشناسی تاریخی واژگان

شهید کتاب جهاد، به موشکافی درباره واژه جزیه پرداخته و می‌فرماید:

«جزیه در عرب به معنای پاداش و هم به معنای کیفر آمده است. اگر اینجا به معنای جزای کیفری باشد، کسی می‌تواند ادعا کند که این مفهومش همان باج گرفتن است... برخی نیز مدعی‌اند که جزیه از واژه گزیه که لغت فارسی است آمده که مالیات سرانه‌ای بوده که برای اولین بار انوشیروان در ایران وضع کرد، وقتی که این لغت آمد در میان اعراب، معرب گردید...» (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۳۹/۸)

و نیز در تبیین بحث دوستی در قرآن در حوزه واژه خلیل می‌فرماید:

«حال ببینیم چرا در آیه شریفه کلمه «اخلاء» (جمع خلیل) آمده است؟ ما حضرت ابراهیم علیه‌السلام را خلیل الله می‌گوییم. بعضی می‌گویند علت اینکه به دوست، خلیل می‌گویند این است که خلیل از ماده «خلت» است و خلت یعنی حاجت. به دوست از آن جهت خلیل می‌گویند که به نیازمندی‌های دوستش می‌رسد، رفع خلت و رفع نیاز از دوستش می‌کند، یعنی به اعتبار یکی از شرایط و آداب دوستی به دوست خلیل می‌گویند. که خلت به معنی آمیختگی است. دو نفر وقتی با همدیگر دوست می‌شوند، ولو ریشه‌اش مطامع باشد، بالاخره با یکدیگر اختلاط و امتزاج روحی پیدا می‌کنند. دو نفر وقتی با یکدیگر معاشرت کنند ولو مبنای معاشرتشان مطامع و منافع مادی باشد چه بخواهند و چه نخواهند روح آنها با یکدیگر مخلوط می‌شود. از روح این، روح او متأثر می‌شود و از روح او روح این و خود به خود در این بین تخلل و اختلاط و امتزاج پیدا می‌شود. لذا به دوست، خلیل می‌گویند. (آشنایی با قرآن، ۱۳۷۷، ۲۳/۱)

۴-۱-۳ بررسی دقیق مفهوم اصطلاحی

بررسی دقیق مفهوم اصطلاحی، نقش مهمی در درک معنای کاربردی واژگان دارد. استاد در کتاب ختم نبوت در تبیین واژه اجتهاد اینگونه می‌فرماید:

«کلمه «اجتهاد» اولین بار در احادیث نبوی به کار رفته و سپس در میان مسلمین رایج گردیده است. این کلمه در قرآن نیامده است. کلمه‌ای که از لحاظ روح معنی مرادف این کلمه است و در قرآن آمده استلاً «تفقه» است. قرآن صریحاً به تفقه و فهم عمیق دین دعوت کرده است. (مطهری، ۱۳۷۰، ۶۹)

و در ده گفتار شهید مطهری در ابتدا، واژه تقوا اینگونه بررسی شده است:

«این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. معنای «اتقاء» احتفاظ است. در ترجمه‌های فارسی اگر این کلمه را به صورت اسمی استعمال شود مثل خود کلمه تقوا و یا کلمه متقین، به پرهیزکاری ترجمه می‌شود. مثلاً در ترجمه «هدی للمتقین» گفته می‌شود: هدایت است برای پرهیزکاران و اگر به صورت فعلی استعمال شود خصوصاً اگر فعل امر باشد و متعلقش ذکر شود، به معنای خوف و ترس ترجمه می‌شود. مثلاً در ترجمه «اتقوا الله» یا «اتقوا النار» گفته می‌شود: از خدا بترسید. البته کسی مدعی نشده که معنای تقوا ترس یا پرهیز و اجتناب است. بلکه چون دیده شده لازمه صیانت خود از چیزی ترک و پرهیز است و همچنین غالباً صیانت و حفظ نفس از اموری، ملازم است با ترس از آن امور، چنین تصور شده که این ماده مجازاً در بعضی موارد به معنای پرهیز و در بعضی موارد دیگر به معنای خوف و ترس استعمال شده است. (مطهری، الف، ۱۳۶۸، ۱۶)

در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، واژه ملت در ابتدای بحث اینگونه تبیین

گردیده است:

«کلمه ملت کلمه‌ای عربی است و به معنی راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنی آمده است. این کلمه هفده بار در قرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان

است و از آن، کلمه ملیت را مشتق کرده‌اند متفاوت است ملت در اصطلاح قرآن به معنی راه و روش و طریقه‌ای است که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است.» (مطهری، ۱۳۶۲، ۵۶)

اینگونه به نظر می‌رسد که توجه استاد به معنای اصطلاحی، نقش مهمی در تفهیم مساله به مخاطب داشته است.

۴-۲ توجه به قرائن پیوسته و گسسته

توجه به قرائن و شواهد در تفسیر، نقش بسیار مهمی را در درک اهداف قرآن از بیان آیات، ایفا می‌کند. به ویژه توجه به قرائن تاریخی و درک فضای نزول و زمینه و تاریخچه پیدایش یک موضوع و تبیین آن در آیات قرآن، از شیوه‌هایی است که استاد در روش تفسیری خود اعمال می‌نمودند.

۴-۲-۱ بررسی فضای نزول

از قرائن گسسته مورد استفاده در تفسیر، می‌توان به فضای نزول اشاره نمود. با بررسی مباحث استاد، می‌توان به روشنی این نکته را دریافت نمود که بدون در نظر گرفتن فضای نزول آیات، نمی‌توان به تفسیر صحیح و عمیقی از آیات دست یافت. برای نمونه به بررسی تاریخچه بت‌پرستی، تفاعل به ایام و مباحث حوزه نحوست، بحث حجاب و حقوق زن، فطرت، عشق، خمس و ... پرداخته و آن را در بازه تاریخ اسلام و گاهی تاریخ بشر مورد تفصیل قرار می‌دهند. (مطهری، ۱۳۷۳ (الف)، ۳۴) برای نمونه درباره تاریخ حجاب در میان اقوام مختلف مانند یهود، ایران باستان، وضع حجاب در عرب جاهلیت پرداخته و به این شبهه که آیا حجاب از اسلام به ایران رسیده است پاسخ داده است. (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۹-۳۰)

استاد، در اهمیت شأن نزول می‌فرماید:

«شرط دیگر آشنایی با قرآن، آشنایی با تاریخ اسلام است. زیرا قرآن مثل تورات یا انجیل نیست که یکباره توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عرضه شده باشد، بلکه این کتاب در طول ۲۳ سال دوران زندگی پیامبر - از بعثت تا وفات - در خلال جریان پرهیجان تاریخ اسلام نازل شده است و از همین روست که آیات قرآن به اصطلاح شأن نزول دارند. شأن نزول چیزی نیست که معنای آیه را در خود محدود کند، بلکه به عکس، دانستن شأن نزول تا حد زیادی در روشن شدن مضمون آیات مؤثر و راه‌گشاست.» (مطهری، الف، ۱۳۶۸، ۲۰/۱) برای نمونه اشاره استاد به شأن نزول آیه لعان (مطهری، ۱۳۷۲، ۴/۲۷-۲۵) و یا تبیین مفاهیم سوره براءت (مطهری، ۱۳۶۵، ۳/۲۱۸-۲۰۴)

در نتیجه، توجه به سایر قرائن از جمله فضای نزول و شأن نزول و اسباب نزول آیات، نقش مهمی در درک اهداف سوره دارد که به مفسر کمک زیادی در ارائه صحیح تفسیر می‌نماید. اگر چه توجه به شأن نزول، باعث ایجاد محدودیت در مخاطبین آیه نمی‌گردد و تنها در تبیین آیه راهگشا می‌باشد. بررسی حوادث سوره توبه و توجه به اصل براءت، مساله هجرت مسلمانان، بیعت، کفران نعمت‌های الهی در تفسیر شهید مطهری از آن جمله است. (مطهری، ۱۳۸۷، ۱-۱۴/۲)

۲-۲-۴ بررسی سیاق آیات

از قرائن پیوسته آیات می‌توان به سیاق اشاره نمود که توجه به آن در تفسیر، امری اجتناب‌ناپذیر است بدین معنا که آیاتی پیام یکسانی دارند، در تفسیر با یکدیگر لحاظ شده و در تفهیم موضوع پشتیبان هم باشند. سیاق در تعریف: «عبارت است از

نشانه‌هایی که معنی لفظ مورد نظر را کشف کند، چه این نشانه‌ها، نشانه‌های لفظی باشند، مانند کلماتی که با لفظ مورد نظر، کلام واحدی را با اجزاء به هم پیوسته و مرتبط به یکدیگر تشکیل می‌دهند، و چه این نشانه‌ها قرائن حالیه‌ای باشند که کلام را در بر گرفته بر معنای خاصی دلالت کنند.» (صدر، ۱۳۷۸، ۱/۱۳۰)

توجه به قرائنی چون آهنگ مضامین و مفاهیم، و اهداف سوره نیز نقش مهمی در دریافت دلالت‌های کلام و معانی و مقاصد آیات خواهد داشت. (مطهری، ۱۳۸۷، ۵/ ۲۱۱-۲۱۲) برای نمونه در تفسیر آیه جهاد از سوره توبه و در بیان نسخ‌ناپذیری آیه جهاد می‌فرماید:

«بعضی از امور ابا دارد از تخصیص... آهنگ این سوره استثنای پذیر نیست. چون نسخ معنایش این است که حکمی، موقتی باشد. و آهنگ آیه جهاد، آهنگی است که نمی‌تواند نسخ‌پذیر باشد.» (مطهری، ۱۳۷۵، ۶۱)

همچنین در بیان روح کلی و هدف اصلی حاکم بر سوره قمر می‌فرماید:

«همه سوره قمر یک روح دارد، حتی در این سوره چند داستان آمده، ولی صورتی که این داستان‌ها در این سوره دارند با صورتی که همین داستان‌ها در سوره‌های دیگر قرآن دارند فرق می‌کند، یعنی در آنجاها به جزئیات هم تا حدی پرداخته شده، ولی در اینجا قطعه‌های مختصری از داستان‌ها را آورده تا حدی که به آن روح کمک کند. حال روح این سوره چیست؟ روح این سوره مطلبی است که کلی آن در قرآن به این صورت بیان شده: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷) اگر بشر در مقابل نعمت‌های الهی حالت سپاسگزاری و حق‌شناسی و قدردانی داشته باشد، سنت الهی بر این است که آن نعمت‌ها و انعام‌ها را افزایش بدهد و اگر کفران و قدرناشناسی و حق‌ناشناسی کند، نه تنها موجب زوال

آن نعمت است، بلکه موجب پیدایش یک نعمت هم به جای آن هست... چون سوره در مکه نازل شده این [مطلب کلی] ناظر به کفار قریش است که عذاب الهی به شما هم قطعاً خواهد رسید و در اینجا از جنگ بدر خبر می‌دهد. پس اگر یک مطلب با زبان فصیح باشد و با آهنگ متناسب با خودش هم قرائت بشود اثرش مضاعف می‌شود، حال اگر خود مطلب هم با قلب انسان پیوند و اتصالی داشته باشد، یعنی زبان فطرت انسان باشد، این دیگر نور علی نور خواهد شد. قرآن چنین است؛ اصلاً قرآن بقای خودش را مدیون همین سه جهت است. (مطهری، ۱۳۷۸، ۵/۲۱۴)

در نتیجه یکی از مسائلی که مفسر همواره باید مدنظر داشته باشد، بحث در نظر گرفتن قرائن پیوسته و گسسته است، و غفلت از این موضوع، سبب برداشت‌های ناصحیح و یا غیر منطقی از آیات گردد.

۳-۴ تفسیر قرآن به قرآن

ایشان چون استاد بزرگ خود علامه طباطبایی معتقد است که قرآن خود مفسر آیات خویش است. ایشان در اهمیت این مساله در تفسیر، به این حدیث تاکید می‌نماید که: «القرآن یفسر بعضه بعضاً» (قمی مشهدی، ۱۳۷۸، ۱۰/۴۸۷)، قرآن بعضی از آیات آن تفسیر کننده و توضیح دهنده بعضی آیات دیگر است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۳/۱۳۳) ایشان معتقد است:

«نکته مهمی که در بررسی قرآن باید به آن توجه داشت این است که در درجه اول می‌باید قرآن را به کمک خود قرآن شناخت، مقصود این است که آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۱-۲/۲۱) بررسی مقاصد قرآن از دیدگاه شهید، تنها با شناخت زبان خاص قرآن ممکن خواهد بود.

۴-۳-۱ نگاه مجموعی به قرآن

استاد معتقد است: توجه به کل قرآن به عنوان یک مجموعه منسجم، مفسر را مقید به فهم تمام آیات می‌نماید:

«قرآن کریم را باید در کل مطالعه کرد نه در یک جزء، مطالعه قرآن کریم در یک یا چند آیه جداگانه سبب گمراهی انسان می‌شود. تمام آیات قرآن کریم با یکدیگر پیوسته است و کسی می‌تواند آیات قرآن کریم را تفسیر کند که به نحوی در همه آیات قرآن کریم تسلط داشته باشد و آیات را از هم مجزا نکند.» (مطهری، ۱۳۶۷، ۱۳۲/۳) برای نمونه استاد بزرگوار در تبیین آیه ۲۸ سوره حدید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَعْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» به معنای درجات مختلف است به این نحو که ایمان، تقوا و احسان و صبر و رضا یکنواخت و یک درجه نیستند و با رشد مراحل ایمان، انسان به درجات مختلف انجام اعمال صالح نائل می‌آید. و این مفهومی است که با دیدگاه کل نگر نسبت به قرآن ممکن می‌گردد. زیرا این تفسیر از آیه بر اساس آیاتی چون «إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا» (مائده/۹۳) و «رَفَعَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) به دست می‌آید. پس عبارت «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» ایمان بر روی ایمان به جهت بهره‌مندی از رحمت حق می‌باشد. یعنی ایمان اولتان مستحق یک رحمت حق و ایمان بعدی، رحمتی فوق رحمت است.» (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۳۸/۶)

برای نمونه در بررسی آیات محکم و متشابه توجه نموده و می‌فرماید:

«سر مطلب این است که برخی مسائل مطروحه در قرآن به خصوص آنجا که سخن از امور غیب و ماوراء الطبیعه است، اساساً با الفاظ قابل بیان نیستند... اما از

آنجا که زبان بیان قرآن همین زبان بشری است، ناگزیر آن موضوعات لطیف و معنوی با عباراتی بیان شده‌اند که بشر برای موضوعات مادی به کار می‌برد. لکن برای جلوگیری از سوء فهم، مسائل در بعضی آیات به گونه‌ای طرح شده که می‌باید حتماً به کمک آیات دیگر تفسیر گردد و غیر از این راهی وجود نداشته است... آیات متشابه برای فهمیدن و تدبر کردن هستند، اما در آنها باید به کمک آیات محکم تدبّر کرد. (مطهری، ۱۳۵۸/۲۳-۲۴)

بنابراین تفسیر قرآن به قرآن به عنوان، اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین روش تفسیری باید مد نظر مفسر قرار گیرد تا به هدف یافتن دقیق‌ترین مقاصد قرآنی، دست یابد.

۴-۴ بهره‌جویی متعادل از منابع روایی

شهید مطهری به منابع روایی توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ زیرا آن عقلی که در تفسیر به عنوان ابزاری مهم مورد استفاده قرار می‌گیرد، به صورت ابتدایی باید بر سفره معنوی روایات معصومین علیهم السلام، رشد و پرورش یافته و تنها این عقل، قادر به تفسیر صحیح اجتهادی خواهد بود.

۴-۴-۱ اهمیت روایات در تفسیر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اهمیت توجه به روایات، استاد شهید می‌فرماید:
«از شرایط آشنایی با قرآن، آشنایی با سخنان پیامبر اکرم (ص) است. ایشان به نص خود قرآن، اولین مفسر این کتاب است. مفسر یعنی بیان‌کننده... و اما برای ما که شیعه هستیم و به ائمه اطهار معتقدیم و اعتقاد داریم آنچه را که پیامبر از ناحیه خدا داشته به اوصیاء گرامی‌اش منتقل کرده است، روایات معتبری که از ائمه رسیده نیز همان

اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه رسول خدا رسیده است. و لهذا روایات موثق ائمه کمک بزرگی است در راه شناخت قرآن.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۲ - ۴۸/۱)

۴-۴-۲ مبارزه با اخباری‌گری

استاد، با انتقاد به اخباری‌گری که تنها حدیث را بر اساس منبع روایی تفسیر کرده؛ این روش را جفا و ظلم به قرآن دانسته‌اند و در تفکیک توجه به روایات و وابستگی محض به روایات، در جلد سوم از کتاب آشنایی با قرآن می‌فرماید:

«اینکه ما تابع تفسیر اهل بیت هستیم، به معنای این نیست که اهل بیت آیات را به میل خود تفسیر کرده‌اند و ما هم می‌گوییم، چون آنها این طور گفته‌اند پس همین طور درست است، نه تفسیر آنها نسبت به تفسیری که دیگران کرده‌اند بهتر است، یعنی با مضمون آیه و سایر آیات موافق‌تر است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۶۳/۳) ایشان حتی در استفاده از روایات اهل سنت تعصبی نشان نداده و در تأیید و یا بطور جداگانه از آن استفاده می‌نمایند. اگرچه اعتبار حدیث نیز در نزد استاد مهم بوده و در استنادات خود صحت حدیث را مورد بررسی قرار داده و درباره نفوذ اسرائیلیات به روایات هشدار می‌دهند. مانند روایاتی که به عصمت پیامبران خدشه وارد می‌گردد. (مطهری، ۱۳۷۵، ۷۶)

توجه استاد به منابع روایی و ذکر روایات در ذیل تفاسیر ارائه شده از آیات در کتب ایشان، نشان از اهمیت این بحث در یافتن معانی و مقاصد قرآنی دارد. بهره‌گیری از منابع روایی در تفاسیر، برای یافتن بهترین مفاهیم، اجتناب ناپذیر است.

۴-۵ بهره‌گیری از عنصر اجتهاد

تفسیر عقلی و اجتهادی، مبتنی بر تدبیر و تفکر در آیات بوده و این روش در تفسیر شهید مطهری به وضوح قابل مشاهده است. ایشان اکتفا به ظاهر آیات، اخباری‌گری و روش باطنی در قرآن به طور محض، را رد نموده و شیوه اخباریان را که فقط فهم معانی تحت‌اللفظی آیات را مورد توجه قرار می‌دهند و عقل را تعطیل می‌کنند، مورد نقد قرار داده و آن را نوعی برداشت عامیانه و سطحی از قرآن می‌داند که به تجسم و رؤیت خدا با چشم و صدها اعتقاد انحرافی منتهی می‌گردد. (مطهری، ۱۳۸۷، ۱- ۲۴/۲)

۴-۵-۱ تاکید بر خردورزی و حجیت عقل در تفسیر

ایشان در حجیت عقل در تفسیر و در نزد علمای بزرگ اسلام می‌فرماید: «قرآن در موارد فراوان به تعقل دعوت نموده و نیز مسائل را در ارتباط علی و معلولی آنها بیان می‌نماید و نیز گاه فلسفه احکام را ذکر نموده است، و البته قرآن لغزش‌های عقل را نیز مورد توجه و بررسی قرار داده است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۲- ۴۸/۱) ایشان مخاطب قرآن را عقل دانسته و روش استدلالی قرآن را بر مبنای منطق قرار داده است اگر چه باید در کنار آن مؤیدات قلبی نیز داشته باشد. همچنین در بیان مباحث حوزه فطرت که به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم قرآن بنیان در استدلال شهید است، آن را به فطرت عقل و فطرت دل تقسیم می‌نماید. و نیز در تبیین برخی علوم قرآنی چون اعجاز، مفاهیم آن را به زبان دل و زبان عقل مرتبط می‌سازد. استاد حجیت عقل را از طریق قرآن اثبات نموده و می‌فرماید: «ما چون درباره قرآن گفتگو می‌کنیم، لازم است دلایل حجیت عقل، را از خود قرآن کریم

استخراج نمائیم و قرآن کریم به انحاء مختلف، سندیت عقل را امضاء کرده است.»
(مطهری، ۱۳۷۶، ۴۸/۱)

بنابراین با مطالعه آثار تفسیری استاد مطهری، این نکته روشن می‌گردد که ایشان به لزوم رویکردی عقلانی به دین معتقد بوده و در عرصه خردورزی در معارف دینی حضوری فعال، چشمگیر و جدی داشته و همواره بر پیوستگی و ارتباط متقابل عقل و وحی تأکید می‌ورزیده است، به طوری که در سراسر آثار خود، از عقل و جایگاه آن در فهم معارف دینی سخن گفته است. (سوزنجی، ۱۳۸۲، ۱۲۴)

ایشان می‌فرماید: «قرآن به اصطلاح اهل منطق به دلالت مطابقی دعوت به تعقل نموده است. آیات بسیار دیگری نیز وجود دارند که قرآن به دلالت التزامی سندیت عقل را امضا می‌کند. به عبارت دیگر سخنانی می‌گوید که پذیرش آنها، بدون آن که حجیت عقل پذیرفته شده باشد، امکان‌پذیر نیست. (مطهری، ۱۳۷۸، ۴۹ / ۱)

در نتیجه توجه به عقلانیت در تفسیر، در آثار گوناگون استاد قابل مشاهده است. ایشان در درک آیات، با استناد به حجیت عقل به تبیین مفاهیم می‌پرداختند.

۴-۶ استنباط عرفانی از آیات

استاد در تفاسیر خود، به حسب فضا و کشش آیات، و درک مخاطب، برداشت‌های باطنی خود از آیات را مطرح می‌نمود. برای نمونه در تفصیل و شرح بحث امامت، پس از بیان دلایل عقلی و حکمی، به نظرات عرفا اشاره نموده و می‌فرماید:

«عرفا از قدیم سخنی گفته‌اند و البته این سخن در خود شیعه هست و عرفا آنرا خوب بیان کرده‌اند. می‌گویند مسئله امامت و ولایت باطن شریعت است. یعنی کسی به این مطلب می‌رسد که اندکی از قشر عبور کرده باشد و به مغز و لب پی برده باشد،

و اساساً مسئله امامت و ولایت در اسلام یک مسئله لبی بوده است.» (مطهری، ۱۳۶۸ (ب)، ۱۷۳)

در کتاب انسان در قرآن در تفسیر آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (حشر/۱۹)» و در بحث خود آگاهی، این مسأله را از دیدگاه عرفانی مورد بررسی قرار داده و می‌فرماید:

خودآگاهی عارفانه آگاهی به خود است در رابطه‌اش با ذات حق. این رابطه از نظر اهل عرفان از نوع رابطه‌ی دو موجود که در عرض یکدیگر قرار گرفته‌اند، مثل رابطه‌ی انسان با افراد اجتماع، نیست بلکه از نوع رابطه‌ی فرع با اصل، مجاز با حقیقت، و به اصطلاح خود آنها از نوع رابطه‌ی مقید با مطلق است. (مطهری، ۱۳۷۳ (الف)، ۷۳)

در عین حال با توجه به اهمیت استاد به بهره‌جویی از عقل، از تفسیر عرفانی صرف، پرهیز نموده و از پیروان جدی تأویل باطنی چون فرقه اسماعیلیه و متصوفه چنین می‌فرماید:

«قرآن در برابر جمود و خشک اندیشی اخباریون و نظایر آنها و همچنین در مقابل انحرافات و برداشت‌های ناروای باطنیه و دیگران، راه وسطی پیشنهاد می‌کند که عبارت است از تأمل و تدبّر بی‌غرضانه و منصفانه.» (مطهری، ۱۳۸۷، ۲ - ۲۸۷)

اگرچه شواهد و مصادیق مباحث عرفانی در آثار استاد نسبت به مباحث عقلایی کمتر دیده می‌شود، ولی بیان نظریات عرفانی و شرح قواعد عرفان در اسلام نشان از تسلط استاد بر این مباحث دارد.

۴-۶-۱ نهی از تفسیر به رأی

«در کل جایگاه عقل و اجتهاد، نه تنها در تفسیر بلکه در سایر آثار شهید مشهود است و با همین روش و منطق با منتقدین، گفتگو و به شبهات پاسخ می‌دهد. با این حال، در عین توجه به عقل، استاد از هرگونه تفسیر به رأی نهی نموده و نمونه‌های تاریخی آن را بر می‌شمارد مانند: باطنی‌گرایی افراطی و تاویل‌های بدون دلیل اسماعیلیه و متصوفه که قربانی شدن اسماعیل به دست ابراهیم را به مبارزه با عقل و نفس تاویل نموده و آن را مصداقی از خیانت به قرآن بر می‌شمارد. (مطهری، ۱۳۸۰، ۲۷/۱) و یا تفسیرهای انحرافی گروهک‌های منحرف را که به ظاهر مسلمان و در حقیقت مارکسیست بودند، نوعی تفسیر به رأی می‌شمارد و ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق (مطهری، ۱۳۶۹، ۱/۳۶۰) می‌خواند.» (حبیبیان، ۱۳۹۰، ۵۸)

۴-۷ بهره‌گیری از قصص و تمثیل

روش تدریس استاد در ارائه مطالب و آموزش بینش صحیح اسلامی، ویژه و خاص بوده است. استاد در تفهیم موضوع به مخاطب خویش، تمام تلاش خود را نموده و از آوردن داستان و شعر و تمثیل‌های ادبی، بهره می‌برد. همین موضوع باعث طراوت ذهن خواننده و جذابیت مطالب به ظاهر سخت و پیچیده می‌گردد. به این شکل هم مفهوم و منظور آیه را بهتر می‌فهماند و هم نکات اخلاقی و تربیتی را آموزش می‌داد. اهمیت پرداختن به قصص و تعمیق نکات تربیتی و عقیدتی، در مطالب تفسیری استاد قابل مشاهده است.

۴-۷-۱ بیان قصص نغز

استاد در تفسیر آیاتی از سوره انفال، داستان هجرت پیامبر(ص) و داستان مولوی و مرحوم فیض را نقل می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷، ۲۵/۸، ۱۵۶، ۱۳۷) و یا در تفسیر

سوره قلم، در نکوهش تاخیر در توبه، داستان خارین و خارکن را از داستان‌های مولوی مطرح می‌نماید و اینکه گناهان به مانند خارهای نازکی هستند که در گذر عمر تبدیل به شاخه‌های ضخیم و قوی گشته، و توان انسان در رفع آنان سخت‌تر می‌گردد. (مطهری، ۱۳۷۸، ۸/ ۳۰۶)

شهید با انتقاد از اعتقاد به سمبلیک بودن قصص در قرآن، این عقیده را غیر علمی دانسته و می‌فرماید:

«ما اگر مخصوصاً قرآن را ملاک قرار دهیم می‌بینیم قرآن داستان آدم را به صورت اصطلاح سمبلیک طرح کرده است، منظورم این نیست آدم که در قرآن آمده، نام شخص نیست، چون سمبل نوع انسان است، ابدأ قطعاً آدم اول یک فرد و یک شخص است و وجود عینی داشته، منظورم این است که قرآن داستان آدم را از نظر سکونت در بهشت، اغوای شیطان، طمع، حسد، رانده شدن از بهشت، توبه و... به صورت سمبلیک طرح کرده است» (مطهری، ۱۳۷۸، ۱/ ۵۱۴).

۴-۷-۲ استفاده از اشعار

شهید در کتاب آشنایی با قرآن در تفسیر سوره نور، در اهمیت شناخت روحی انسان و عدم آگاهی او از رذایل درونی خویش این تمثیل از مولوی را استفاده می‌نماید:

بهر غسل آر در روی در جویبار
بر تو آسیبی زند در آب، خار
گرچه پنهان خار در آب است پست
چونکه در تو می‌خلد دانی که هست

(مطهری، ۱۳۶۹، ۴/ ۱۸۷)

و در تبیین واژه توکل در آیه شریفه «أَفَوَضُّ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»

(غافر/ ۴۴) به این بیت از حافظ اشاره می‌نماید:

کار خود گر به خدا باز گذاری حافظ ای بسا عیش که با بخت خدا داده کنی

(مطهری، ۱۳۷۸، ۸/ ۲۶)

با مروری اجمالی بر آثار شهید، می‌توان به نمونه‌های مشابه نیز دست یافت که استاد در تبیین آیه و فهم عمیق مساله، از شعر و تمثیل استفاده می‌نمودند.

نتیجه

توجه به بیانات و آثار شهید مطهری این نکته قابل دریافت است که تفسیر قرآن کریم در آثار ایشان، نمود بسیاری داشته و ایشان به عنوان مفسر، نقش خود را در بیان و تفصیل اسلام ناب و اصیل، به خوبی ایفا نموده است. تفسیر شهید متأثر از مسائل اجتماعی زمان خود و تحت تعلیمات اساتید، به ویژه علامه طباطبائی در المیزان، و به منظور حل مشکلات و پاسخ به نیازهای فکری جامعه و مبارزه با تفکرات التقاطی و منحرف، اقدام به بهره‌گیری از آیات قرآن و تفسیر آن نموده است. در این بین پرداختن به برخی محورها مانند حجاب، آزادی، جهاد و... در قالب تفسیر موضوعی نیز در آثار استاد شهید، به چشم می‌خورد. شهید به روش قرآن به قرآن توجه ویژه‌ای دارد و از منابع روایی نیز در تأیید تفاسیر بهره می‌گیرد. با این وجود، گرایش به عقل‌گرایی در قالب روشی ضابطه‌مند و به دور از هرگونه تفسیر به رأی، از ایشان مفسری با تفسیر اجتهادی ارائه می‌دهد که به معناشناسی واژگان و استفاده از قصص قرآنی و تاریخی و ادبی در تفسیر توجه داشته و نقش شأن نزول و سیاق، تاریخیچه موضوع و آهنگ سوره را نیز در تفسیر دخیل می‌دانند. همچنین توجه به مباحث و نظرات عرفانی در آثار شهید، قابل مشاهده می‌باشد. اگرچه ذوق عرفانی استاد، در قالب شعر و غزل به ذهن مخاطب ارائه می‌گردد؛ اما این مباحث، بنابراین

با توجه به آنچه در مفهوم‌شناسی تفسیر اجتهادی مطرح گردید، به نظر می‌رسد که روش استاد در تفسیر قرآن، تفسیر جامع اجتهادی است. زیرا ایشان به هیچ یک از منابع بی‌اعتنا نبوده و از هر یک از قرائن به اندازه ظرفیت و شرایط آیه در تفسیر استفاده می‌نمودند. بی‌شک توجه به روش تفسیری و نحوه تفصیل و بیان استاد، الگوی مناسبی برای مبلغان و مفسران و فعالان حوزه تربیتی و اجتماعی است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم؛ (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ایازی، سید محمد علی؛ (۱۳۷۵)، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ (۱۳۶۷ش)، *النهاییه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: نشر اسماعیلیان
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۵. بابایی، علی اکبر؛ (۱۳۸۰)، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، قم: نشر سمت.
۶. بیدهندی، محمد؛ (۱۳۷۷)، جایگاه عقل در میزان، تهران، نشر کیهان، شماره ۸۱، ص ۱۴۴
۷. پاکتچی، احمد؛ (۱۳۸۳ش)، جایگاه علوم قرآن و حدیث در نظام دانشگاهی ایران، پیام صادق، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۱۲-۱۳.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ (۱۴۰۷)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم الملايين.
۹. حبیبیان، ابازر؛ (۱۳۹۰ش)، مفسر مصلح، تهران: نشر امام صادق(ع).
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل؛ (۱۳۶۴ش)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق محمد حسین کیلانی، تهران: مکتبه المرتضویه.

۱۱. سوزنجی، حسین؛ (۱۳۸۲)، عقل و دین از منظر استاد مطهری در بازفهمی اندیشه‌های استاد مطهری، قم: نشر معارف.
۱۲. صدر، محمد باقر؛ (۱۳۷۸)، دروس فی علم الاصول، قم: دارالتقلین.
۱۳. طریحی، فخرالدین؛ (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران: مکتب مرتضویه.
۱۴. فخرالدین رازی؛ (بی تا)، تفسیر کبیر، بیروت.
۱۵. فغفور مغربی، حمید؛ (۱۳۷۸ش)، نگاهی اجمالی به روش تفسیری شهید مطهری، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۴.
۱۶. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب؛ (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۸ش)، شناخت قرآن، تهران: نشر صدرا.
۱۹. _____؛ (۱۳۶۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: نشر صدرا.
۲۰. _____؛ (۱۳۶۴)، امامت و رهبری، تهران: نشر صدرا.
۲۱. _____؛ (۱۳۶۷ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۳، تهران: نشر صدرا.
۲۲. _____؛ (۱۳۶۸)، ده گفتار، تهران: نشر صدرا(الف).
۲۳. _____؛ (۱۳۶۸)، سیری در سیره نبوی، تهران: نشر صدرا(ب).
۲۴. _____؛ (۱۳۶۹ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۴، تهران: نشر صدرا(الف).
۲۵. _____؛ (۱۳۶۹ش)، مجموعه آثار، تهران: نشر صدرا(ب).
۲۶. _____؛ (۱۳۷۰)، ختم نبوت، تهران: نشر صدرا.
۲۷. _____؛ (۱۳۷۲)، حماسه حسینی، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. _____؛ (۱۳۷۳ش)، فطرت، تهران: انتشارات صدرا (الف).
۲۹. _____؛ (۱۳۷۳)، انسان در قرآن، تهران: نشر صدرا(ب).

۳۰. _____؛ (۱۳۷۵ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۵، تهران: نشر صدرا(الف).
۳۱. _____؛ (۱۳۷۵)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا(ب).
۳۲. _____؛ (۱۳۷۶ش)، حق و باطل، تهران: نشر صدرا(الف).
۳۳. _____؛ (۱۳۷۶ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۶، تهران: نشر صدرا(ب).
۳۴. _____؛ (۱۳۷۷)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۱-۳، تهران: نشر صدرا.
۳۵. _____؛ (۱۳۷۸ش)، آشنایی با قرآن (حمد و بقره)، ج ۱-۲ تهران: انتشارا.

صدرا(الف).

۳۶. _____؛ (۱۳۷۸ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۸، تهران: نشر صدرا(ب).
۳۷. _____؛ (۱۳۷۹)، نبوت، تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. _____؛ (۱۳۸۰ش)، آشنایی با قرآن کریم، ج ۱-۲، تهران: نشر صدرا.
۳۹. _____؛ (۱۳۸۳)، مساله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی